

واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های دیونسیا و آدونای یونانی

الهام خداوندگاری ^{ID} * - سیدهاشم حسینی ^{ID} **

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه نیشابور - دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه نیشابور

چکیده

از دیرباز فرهنگ، باور و نوع نگرش جوامع مختلف توسط آیین‌ها بازتاب داده شده است. می‌توان گفت بخش چشم‌گیری از اساطیر جهان به آیین‌های باروری اختصاص دارد که در قالب مرگ و رستاخیز طبیعت تجسم یافته است و در قالب مرگ یک ایزد و حیات دوباره او به نمایش درمی‌آید. سیاوشان، آیین سوگ سیاوش، اسطوره خوشنام ایرانی و جشن حیات دوباره او در کالبد گیاهی و فرزندش کیخسرو است که مرگ و باززایی ایزد/قهرمان شهیدشونده را همچون چرخه زمان و تحول طبیعت نشان می‌دهد. دیونسیا و آدونیا، جشنواره‌های آیینی پرستش دیونیزوس و یادبود آدونیس در اساطیر یونان است که به عنوان ایزدان بارورکننده، مناسکی در مرگ و رستاخیزشان برپا می‌شده است. شناسایی وجوه اشتراک آیین سیاوشان با آیین‌های دیونسیا و آدونیا از اهداف پژوهش حاضر است. در این راستا ابتدا با روش تحلیلی - تطبیقی، هر سه آیین بررسی و سپس اشتراکات میان آن‌ها شناسایی و تحلیل می‌شود. مهم‌ترین دلیل انتخاب آیین‌های مذکور، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و فواصل جغرافیایی، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری اساطیر جهان بر یکدیگر است. بنابر یافته‌های تحقیق، از مهم‌ترین اشتراکات سه آیین یادشده، تکرار سالیانه مراسم سوگ و جشن رستاخیز است که با مناسکی همچون شمایل‌گردانی، اعطای قربانی، موسیقی و سوگ‌سرود با محوریت زنان همراه بوده است.

کلیدواژه: اساطیر، آیین‌ها، سوگ سیاوش، آیین دیونسیا، آیین آدونیا.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹

*Email: khodavandgari@gmail.com (نویسنده مسئول)

**Email: h.hoseini@neyshabur.ac.ir

مقدمه

پیشینه شکل‌گیری آیین‌ها در اندیشه و فرهنگ انسان به دوران باستان برمی‌گردد. آیین‌های سالانه سوگ بر مرگ ایزد/قهرمان شهیدشونده گیاهی و جشن‌های مرتبط با رستاخیز او با ابتدایی‌ترین تفکرات ذهنی بشر درباره چرخه طبیعت پیوند دارد. این آیین‌ها، الگویی جهانی را دنبال می‌کنند که تکرار آن در سرزمین‌های مختلف و در میان اقوام جهان مشهود است. نمونه این آیین‌ها را می‌توان در اساطیر ایران در سیاوشان، آیین سوگ سیاوش بازجست. مرگ سیاوش و رستاخیز او در قالب گیاه پر سیاوشان و ولادت فرزندش، کیخسرو، نمود این الگوی تکرارشونده است که با برگزاری آیین سالانه سیاوشان نشان داده شده است. آیین مذکور در فرهنگ ایرانی تداوم داشته و این استمرار را می‌توان در آیین‌های سوگواری میان اقوام مختلف به روشنی دید. دلیل این ماندگاری را می‌توان با شخصیت ارجمند اسطوره سیاوش مرتبط دانست، انسانی پاک که تمام تلاش خود را برای زدودن زشتی به کار برده است. هر ساله برگزاری مناسب آیینی مربوط به او، نه تنها یادبودی برای این اسطوره بوده بلکه تداعی‌گر چرخه مرگ و حیات دوباره طبیعت است.

در اساطیر یونان باستان، دیونسیا^۱ که آیین پرستش دیونیزوس و جشنواره‌ای است که خاستگاه تئاتر دانسته شده است و همچنین آیین آدونیس که با نام آدونیا شناخته می‌شود با الگوی تکرارشونده مرگ و رستاخیز ایزد گیاهی پیوستگی دارد. در این دو آیین که هر ساله در آغاز بهار تکرار می‌شد، پرستش و یادبود دیونیزوس و آدونیس^۲ به صورت سوگواری و سپس جشن و پایکوبی در رستاخیز آن‌ها به نمایش در می‌آمد که هر دو، مرگ طبیعت در پاییز و زمستان و

1. Dionysia

2. Adonis

سرسبزی و رویش دوباره گیاهان در بهار را آشکار می‌سازد. افزون بر این، مراسم یادشده به هدف برکت‌خواهی و حاصل‌خیزی برپا می‌شد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

آیین بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشر در طول تاریخ بوده است. مطالعه درباره ریشه و منشاء آیین‌های مرتبط با ایزدان گیاهی و باروری که نشانگر چرخش سالیانه‌ی فصول و مرگ و رستاخیز طبیعت است، علاوه بر اینکه چشم‌اندازی قابل تامل نسبت به اندیشه پیشینیان در اختیارمان قرار می‌دهد، تطبیق و مقایسه‌ی این آیین‌ها در سرزمین‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت، می‌تواند در شناخت اشتراکات موجود در اجرای آن‌ها کمک کننده باشد. در این مقاله برآنیم تا براساس ارتباط مناسک آیین سیاوشان با اسطوره ایزد گیاهی، وجوه اشتراک در شیوه برپایی این آیین با دیونسیسا و آدونیا که هر دو آیین، مرتبط با اساطیر یونانی و نماینده‌ی ایزد نباتی در سرزمین یونان بوده‌اند، شناسایی شوند.

روش و سؤال پژوهش

در پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی، پس از معرفی آیین سیاوشان، دیونسیسا و آدونیا به بررسی نشانه‌های آیینی در شیوه اجرای سوگ سیاوش پرداخته شده است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و براساس منابع مکتوب انجام شده است. در مسیر این پژوهش ابتدا آیین سوگ سیاوش و آیین‌های دیونسیسا و آدونیا به طور جداگانه بررسی شده و سپس وجوه اشتراک و افتراق آیین سیاوشان با دو آیین یونانی یادشده شناسایی و تحلیل شده است و در

ادامه به این پرسش پاسخ داده می‌شود که چه اشتراکاتی بین آیین مذکور و آیین‌های دیونسیا و آدونیا وجود دارد؟ فرض بر این است، به این دلیل که آیین‌های مرتبط با ایزدان باروری از الگویی تکرارشونده و مضمونی یکسان پیروی می‌کنند، می‌توان، با وجود فاصله جغرافیایی و تفاوت فرهنگی در دو فرهنگ ایرانی و یونانی، پیوندی بین شیوه اجرای آن‌ها یافت.

پیشینه پژوهش

باتوجه به جست‌وجوهای انجام شده پیرامون موضوع تحقیق، مشخص می‌شود که درباره اسطوره سیاوش تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. صاحب‌نظرانی همچون مسکوب (۱۳۵۷)، در سوگ سیاوش، حصوری (۱۳۷۸)، در سیاوشان و بهار (۱۳۸۶)، در از اسطوره تا تاریخ و همو (۱۳۹۵)، در پژوهشی در اساطیر ایران، به سیاوش و آیین سیاوشان به طور گسترده پرداخته‌اند.

همچنین مقالات متعددی درباره این اسطوره ایرانی به چاپ رسیده است. ادریسی (۱۳۸۳)، در مقاله «آیین سوگ سیاوش در نوروز» به ریشه‌های آیین سوگ سیاوش در ایران و استمرار آن در دوره اسلامی پرداخته است. در این راستا آیین‌های مربوط به اساطیر باروری سایر ملل همچون بین‌النهرین، مصر، یونان، بابل و شباهت‌های موجود در آن‌ها بیان شده است. شکیبی ممتاز (۱۳۸۹)، در مقاله «جایگاه سیاوش در اساطیر» چهره و موقعیت سیاوش را به عنوان یکی از شخصیت‌های محوری حماسه ملی ایران، در اساطیر، اوستا، متون پهلوی و یافته‌های باستان‌شناسی بیان کرده است. پورخالقی چترودی و حق‌پرست (۱۳۸۹)، در مقاله «بررسی تطبیقی آیین‌های سوگ در شاهنامه و بازمانده‌های تاریخی مذهبی سوگواری در ایران باستان» با توجه به ابیات و روایات داستانی

شاهنامه، روش‌های سوگواری در این اثر ادبی فاخر بیان شده و سپس با مقایسه آیین‌های سوگ در متون مذهبی به‌جا مانده از ایران باستان، وجود شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان آن‌ها نشان داده شده است. خجسته و حسنی (۱۳۸۹)، در مقاله «تحلیل داستان سیاوش بر بنیاد ژرف‌ساخت اسطوره الهه باروری و ایزد گیاهی» عناصر مشترک داستان سیاوش و اسطوره الهه باروری ایزد گیاهی را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین به وجود اشتراکات این اسطوره ایرانی با برخی اساطیر باروری سایر ملل همچون هند، مصر، یونان و بین‌النهرین اشاره شده است.

نجم‌الدین و آذرنوش گیلانی (۱۳۹۳)، در مقاله «سوگ سیاوش و شباهت آن به سوگ آیین‌های محلی (لری و کُردی)» ماندگاری و استمرار داستان سیاوش در رسوم و آیین‌های محلی لرستان و کردستان را نشان می‌دهد. رویانی و حاتمی‌نژاد (۱۳۹۴)، در مقاله «سیاوش و اسطوره بازگشت جاودانه» به معرفی سیاوش به عنوان خدای میرنده که با اسطوره‌های باروری در ارتباط هستند، پرداخته‌اند. در مقاله مذکور با توجه به نظریه بازگشت جاودانه میرچا الیاده، نشان می‌دهد که سیاوش، ایزدی شهیدشونده است و آیین‌های مرتبط با مرگ و رستاخیز او گواه این امر است.

نجم‌الدین گیلانی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی تحلیلی و تطبیقی سوگ آیین‌های لری و کردی با سنت سوگواری در شاهنامه»، وجوه اشتراک سوگ آیین‌های لری و کردی با سنت آیین سوگ در شاهنامه مورد بررسی قرار گرفته است که بخشی از آن مرتبط با آیین سوگ سیاوش است. ذبیح‌نیا عمران و کریمی (۱۳۹۸)، در مقاله «بررسی تطبیقی تراژدی سیاوش در ایران و آراگتسیک و شامیرام در ارمنستان» آیین مرگ و رستاخیز گیاهی در ایران و ارمنستان با توجه به شباهت داستان سیاوش و سودابه با آرا و شامیرام بیان شده است. رحمانی و

همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی تطبیقی ساختار آیینی نوروز سیاوشان و آکیتو بر مبنای نظریه اسطوره و آیین» به معرفی و مقایسه آیین نوروز سیاوشان ایرانی و آکیتو، نوروز بابلی پرداخته و شباهت موجود بین این دو آیین مورد بررسی قرار گرفته است.

مقالات اندکی، از لحاظ محتوا، با پژوهش حاضر هم‌سو بودند، اما رویکرد متفاوتی ارائه داده بودند. برای نمونه می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد، رکن‌الدین خسروی (۱۳۶۷)، در مقاله «از آدونیس تا سیاوش» آیین‌های نمایشی بین‌النهرینی مرتبط با مرگ و رستاخیز طبیعت را به طور مجزا شرح داده است. صادق آیین‌وند و حسن نصرالله (۱۴۲۷ ه.ق.)، در مقاله «پژوهشی تطبیقی در اساطیر باروری آدونیس و سیاوش»، به بررسی تطبیقی دو اسطوره آدونیس و سیاوش به عنوان ایزدان باروری و رویش پرداخته و اشتراکات بین این دو اسطوره را بیان کرده است. همچنین به اهمیت نقش اساطیر باروری در جوامع کشاورزی اشاره شده است. مقاله مذکور به زبان عربی به چاپ رسیده است. قائمی (۱۳۹۳)، در مقاله «نقد و تحلیل ساختار آیینی اسطوره سیاوش (مقایسه سیاوش - سیاوشان با تراژدی - دیونسیا بر مبنای نظریه اسطوره و آیین)» به نقد و تحلیل اسطوره سیاوش بر اساس نظریه «آیین‌گرایی اسطوره» پرداخته و ارتباط موجود بین تراژدی و آیین دیونسیا و تشابه این ارتباط بین سیاوشان و اسطوره سیاوش مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است. در این راستا به پیشینه و سیر تکوین آیین سیاوش در فرهنگ ایرانی با تمرکز بر کهن‌الگوی قربانی شاه مقدس نیز پرداخته شده است. همان‌گونه که از پژوهش‌های فوق مشهود است تا کنون اشتراکات آیین سوگ سیاوش با دیونسیا و آدونیا، جشنواره‌های آیینی اساطیر یونان، بررسی نشده و تحقیق کنونی برای نخستین بار به این موضوع می‌پردازد.

مبانی نظری

الف) آیین سیاوشان

سیاوش از ایزدان نباتی پیشازرتشتی مربوط به اساطیر باروری و فرهنگ برزگری است که از خون وی گیاه «پر سیاوشان» می‌روید. او باید بمیرد و پس از برخاستن از مرگ، برکت و خرمی به طبیعت بازگردد. نام سیاوش به معنی «مرد سیاه» است که این سیاه رنگ بودن به دلیل بازگشت از جهان مردگان به منظور برکت‌بخشی و باران‌آوری است. یادبود و پرستش این ایزد شهید شونده در آیین سیاوشان بر جای مانده و در جشنواره‌های تحویل سال و مناسک سوگ نمایشی قابل مشاهده است. (بهار ۱۳۸۶: ۲۶۴ و ۲۶۵) به نظر علی حصوری، سیاوشان نام آیین سوگ سیاوش و نیز نام مناطق و مکان‌هایی است که این آیین سوگواری در آن‌ها برگزار می‌شده است. دانشمندان بسیاری که درباره فرهنگ آسیای مرکزی مطالعاتی انجام داده‌اند بر این باورند که سیاوشان مراسم آغاز سال نو است. (حصوری ۱۳۷۸: ۱۵ و ۷۸) می‌توان گفت سیاوشان، آیینی است در ارتباط با سیاوش، اسطوره خوشنام ایرانی که به عنوان ایزد گیاهی شهید شونده، مرگ و رستاخیز طبیعت توسط او به نمایش در می‌آید و مردمان با اجرای این مراسم آیینی خواستار باروری، فراوانی و حاصل‌خیزی هستند.

نَرشَخی آیین‌های عزاداری بر مرگ سیاوش را توسط مردم، مطربان و قوالان به طور مختصر شرح داده و قدمت این مراسم آیینی را سه هزار سال پیش از خود بیان کرده است. «مردم بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست، چنان‌که در همه ولایت‌ها معروف است و مطربان آن را سرود ساخته‌اند و قوالان آن را گریستن مغان خوانند و این سخن زیادت از سه هزار سال است.» (نرشخی ۱۳۸۷:

۳۳) آشکار است که آیین سوگ سیاوش تا زمان وی که اسلام تا حدی دین فرمانروایان و بیشتر مردم آسیای غربی بوده، در فرارود تداوم داشته است. دو نظریه درباره ریشه‌های آیین سوگ سیاوش وجود دارد: یک نظریه، آسیای مرکزی را خاستگاه این آیین مطرح می‌کند، نظریه دیگر، بین‌النهرین و اساطیر بین‌النهرینی مانند ایشتر و تموز را به عنوان خاستگاه آیین سیاوشان ارائه می‌دهد. (شافعی و همکاران ۱۳۹۷: ۷۴) از شواهد موجود چنین برمی‌آید که آیین‌های سیاوشی بیشتر در فرارود شکل گرفته و تکامل یافته و سپس در سغد و خوارزم به صورت آیینی سستی درآمده است. (نعمت طاووسی ۱۳۸۶: ۱۸۵) برای نمونه می‌توان به دیوارنگاره پَنجکِنَت^(۱) اشاره کرد.

موضوع این نقاشی دیواری که از پرستشگاهی به دست آمده، سوگواری برای مرده است. برای نخستین بار یاکوبوفسکی صحنه شیون و زاری این دیوارنگاره را روایت کرده و آن را مربوط به سیاوش می‌داند. (تصویر) (حصوری ۱۳۷۸: ۶۳) با شرح تصویر این دیوارنگاره می‌توان تا حدودی نسبت به شیوه برگزاری آیین سوگ سیاوش آگاهی یافت.



تصویر شماره ۱: دیوارنگاره پرستشگاه پنجکنت (بلنیتسکی ۱۳۹۰: ۱۵)

یک تابوت پنجره‌دار و گنبدی‌شکل که اطراف آن باز است، توسط افرادی حمل می‌شود و جوانی تاج‌دار که به نظر می‌رسد سیاوش یا شبیه او باشد، در آن خفته است. (بیضایی ۱۳۸۳: ۳۲) مردان و زنانی گرداگرد تابوت زاری‌کنان در حال عزاداری هستند. در سمت چپ تصویر، پیکره یک زن و یک مرد با ابعادی بزرگتر از سایرین با هاله‌ای دور سرشان ترسیم شده‌اند. یکی از آن‌ها چهار دست دارد که دو دست او دیده نمی‌شود، موهایش بر سینه و شانه‌ها پریشان است. مرد با شی نامعلوم (مشعل‌مانند یا بیل‌مانند) در دست راستش، بر زانو نشسته است. زنی دیگر با گیسوان باز، عقب‌تر از این دو پیکره قرار گرفته که از نظر ابعاد کمی کوچک‌تر از آنهاست و دست چپش را برای بر سر کوبیدن بالا برده است. (مولودی آرانی ۱۳۹۹: ۱۴۴) به نظر می‌رسد این سه پیکره به دلیل اندازه و وجود هاله دور سر، الهه باشند که در مراسم سوگواری شرکت کرده‌اند. در پایین تصویر، زنان و مردانی به صورت ترکیب فشرده قرار گرفته‌اند. چهره‌های اندوهگین و موهای آشفته عزاداران بیشتر نشان‌دهنده زجر و آزار دادن خود است. تصویر دو مرد که با چاقوهای بلند نرمه گوش خود را می‌برند و نیز وجود خراشیدگی بر چهره و بدن‌های نیمه‌برهنه سوگواران بر این موضوع تاکید بیشتری دارد. (بلنیتسکی ۱۳۹۰: ۱۵) با توجه به نقوش این دیوارنگاره، به خوبی می‌توان صحنه سوگواری برای شخصیتی اساطیری را مشاهده نمود.

آیین سوگ سیاوش در پنج روز نخستین ماه سال، که در تقویم‌های سُعدی و خوارزمی با آغاز تابستان برابر بود، برگزار و در روز ششم، سال آغاز می‌شد. این روز به کین سیاوش^(۲) مشهور بود. به این صورت، سیاوش در آغاز تابستان، که نوروز به حساب می‌آمد، کشته شد و در ششمین روز سال نو یا نوروز بزرگ رستاخیز کرد. در تقویم زرتشتی، این پنج روز، به نام پنجه دزدیده، به آخر اسفندماه و جشن رستاخیز به اول فروردین انتقال یافت. (بهار ۱۳۷۴: ۴۸ - ۴۷) این

تغییر و جا به جایی در تقویم زرتشتی موجب شد که آیین سیاوشان، اواخر زمستان و آغاز بهار به نمایش درآید.

از قسمت‌های برجسته در داستان سیاوش، رویدن گیاهی به نام پَر سیاوشان از خون او است. گیاه یاد شده، نمود هستی پس از مرگ و تداوم زندگی او و آغاز سوگ یا کین سیاوش است. (شافعی و همکاران ۱۳۹۷: ۷۴ - ۷۳) خون این ایزد - قهرمان، برکت‌بخش است. میرچا الیاده دربارهٔ برکت‌بخشی خون قهرمان اشاراتی دارد و بیان می‌کند که پیدایش گیاهان و نباتات همراه با خودنثاری یا پیشکش خون یا پیکر قهرمان و ایزدی است که از روی ناجوانمردی کشته شده است. (۱۳۸۵: ۲۸۷) بنابراین ایزد - قهرمان باید بمیرد تا پس از رستاخیز، خرمی، برکت و باروری به طبیعت بازگردد.

علاوه بر دیوارنگارهٔ کشف شده از پنجکنت، نشانه‌های سوگ سیاوش بر سفال‌نگاره مرو^(۳)، سفال‌های توک قلعه در خوارزم، استودان مکشوف در ناحیه شمال غربی بخارا، سکه‌های کوشانی مربوط به سلسلهٔ آفریغی خوارزم و همچنین تندیس‌ها یا پیکرک‌های مرتبط با سوگواری در آسیای میانه قابل مشاهده است. (حصوری ۱۳۷۸: ۶۷ و ۷۷؛ قائمی ۱۳۹۳: ۱۶۲؛ مولودی آرانی ۱۳۹۹: ۱۵۱ و ۱۴۷) نقش چشم‌گیر زنان در پیکرک‌ها و تندیس‌های آیین سوگواری در حال زاری، جامه دریدن و موی‌افشانی نیز دیده می‌شود (قائمی ۱۳۹۳: ۱۶۲) که نشان‌دهندهٔ حضور پررنگ‌تر زنان در این مراسم آیینی است.

۱) **نشانه‌های آیینی سوگ سیاوش:** با توجه به دیوارنگاره پنجکنت (تصویر)، که سیاوش یا پیکرهٔ نمادین او را در تابوتی نشان می‌دهد که عده‌ای آن را بر دوش حمل می‌کنند و زنان و مردان سوگوار که گریبان دریده، گریان و بر سر و روی زنان اطراف آن گرد آمده‌اند، آیین سوگ سیاوش در یک تصویر گویا به نمایش درآمده است.

س ۲۰- ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۹۳

نرشخی در تاریخ بخارا گور سیاوش را در دروازه شرقی بخارا (در کاه فروشان) ذکر می‌کند که هر ساله هر مردی یک خروس به آنجا می‌برد و پیش از برآمدن آفتاب روز نوروز، آن را قربانی می‌کند و همچنین نوحه‌هایی که توسط قولان و مطربان در مرگ سیاوش سروده شده و می‌خوانند. (نرشخی ۱۳۸۷: ۳۳ - ۳۲) خروس پرنده‌ای است اهورایی که بانگ و فریادش اهریمن را دور می‌کند، در دوران کهن خروس سفید را به اهورامزدا و میترا تقدیم می‌کردند. (قائمی ۱۳۹۳: ۱۶۳) اعطای قربانی و پیشکش در آیین سیاوشان می‌تواند نشان‌دهنده میزان اهمیت اجرای این مناسک آیینی در مراسم سوگواری برای ایزد - قهرمان شهید شونده باشد.

شواهد ذکر شده، نشان می‌دهد که موسیقی و خواندن سوگ سرود و نیز اعطای قربانی با توجه به آنچه نرشخی آورده، از حیوانی که قربانی می‌شده به روشنی نام برده شده است، همچنین شمایل‌گردانی و نیز دسته‌روی و سوگواری جمعی از نشانه‌های آیینی سوگ سیاوش به شمار می‌رود. حضور برجسته‌تر زنان در این مراسم که بیشتر در تندیس‌ها و پیکرک‌ها به نمایش درآمده، نشان می‌دهد که بخشی از شیوه برگزاری این آیین توسط زنان اداره می‌شود.

زاری و مویه زنان که در تصاویر به جا مانده از دوران گذشته موجود است، نشان می‌دهد که انسان در دوران باستان، مراسم آیینی سوگ سیاوش را برای اثرگذاری و تشویق نیروی بارور طبیعت، به جا می‌آورد. (شافعی و همکاران ۱۳۹۷: ۸۵) زیرا در این آیین سوگ، زاری و شیون رکن مهمی به حساب می‌آمد و بنابر باور کهن در جوامع کشاورزی و برزگری، اشک ریختن مایه باروری زمین بود. (ثمینی و خزایی ۱۳۸۲: ۷۹) زمان برگزاری این مراسم آیینی نیز قابل توجه است که به صورت سالانه اواخر اسفند و آغاز بهار برپا می‌شده است.

رویاندن سبزه و افکندن آن در طبیعت، بخشی از سنت آیینی سیاوشان است که منسوب به رستاخیز سیاوش یا جانشین او (کیخسرو) است که نویدبخش

بازگرداندن سبزی و باروری به طبیعت بوده است. (قائمی ۱۳۹۲: ۷۸ - ۷۷) امروزه نیز شاهد اجرای این سنت آیینی هستیم که به عنوان بخشی از مراسم جشن نوروز پاسداری شده است. همچنین در باور عامیانه جشن نوروز و آغاز سال نو را مرتبط با تولد دوباره سیاوش در قالب گیاه و یا فرزندش کیخسرو می‌دانند.

۲) **جشنواره دیونسیا (آیین دیونیزوس):** یونانیان جشن‌ها و جشنواره‌های متنوعی داشتند. هدف دین یونان باستان کاستن رنج‌های اقتصادی مردم به وسیله همین جشنواره‌های فراوان بود. در تقویم آتنی بیشتر ماه‌های سال به نام اعیاد دینی آن ماه‌ها خوانده می‌شد. عید بزرگ دیونسیا در ماه نهم (الافبولیدن^۱) برگزار می‌گردید. برپایی این جشنواره در آغاز بهار بوده و تشریفات انتقال مجسمه دیونیزوس از الئوترای به تماشاخانه، شرکت‌کنندگان و تماشاچیان بسیاری را به خود جلب می‌کرد. (تصویر) در این مراسم خوانندگان و نوازندگان به رقص و آواز می‌پرداختند و تعداد فراوانی از حیوانات به منظور قربانی برای خدایان، همراه جمعیت حاضر در حرکت بودند. (دورانت ۱۳۷۹: ۵ - ۳) گفته می‌شود که دیونیزوس در اصل یونانی نیست، در واقع برخاسته از فریجیه^۲ است که بعدها به تراس^۳ (تراکیه^۴) کوچیده بود. (وارنر ۱۳۸۶: ۲۹۴) احتمال می‌رود مبدا ستایش این خدا، از خاور نزدیک باشد که در سده سیزدهم پ.م. وارد یونان شد.

از آنجا که اجرای این مراسم آیینی بیشتر اوقات با مستی، هم‌آمیزی گروهی، دریدن و خوردن وحشیانه قربانی (که گاه انسان بود)، همراه می‌شد، در ابتدا از سوی یونانیان با مقاومت زیادی روبه‌رو شد. دیونیزوس خدای باروری، شراب و عیاشی بود که پیشامدهای زندگی او با روح سال پیوند داشت؛ یعنی چرخه

1. Elaphebolion
3. Thrace

2. Phrygia
4. Trakya

س ۲۰- ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۹۵

فصول و الگوی بازگشت به مبدا در دایره تولد، بلوغ، مرگ و تولد دوباره. پرستندگان این خدا از طریق اجرای آیین‌ها به دنبال افزایش باروری بودند (براکت ۱۳۸۰: ۶۵ - ۶۴) به باور آنان، در آغاز بهار، افزایش محصول انسان و زمین و خرمن‌های زیاد با پرستش دیونیزوس امکان‌پذیر می‌شد.



تصویر شماره ۲: ارابه تسپیس، بازسازی از روی نقش گلدانی از آتیکا. دو ساتیر،

دیونیزوس را تا جشنواره دیونیسای شهر همراه می‌کنند (همان: ۶۲)

به اعتقاد یونانیان، دیونیزوس در پاییز همراه با زرد شدن برگ درختان و ریزش آن‌ها می‌میرد و در بهار، زمان رویش درختان، زنده می‌شود. براساس این باور اساطیری، زندگی دوباره او را در قالب جشنواره‌های آیینی برای بزرگداشت وی به نمایش در می‌آوردند. بر پایه اساطیر یونانی، دیونیزوس از آسمان به زمین آمده بود تا کاشت تاک و تهیه شراب را به انسان‌ها بیاموزد. (راهگانی ۱۳۸۷: ۵۸۵) وی سرگذشتی پیچیده و تاریک داشته و در دوره کلاسیک، خدای تاکستان، شراب و جذبۀ عارفانه بوده است. با این وجود که تاک با خوشه‌هایش آشکارترین مشخصۀ دیونیزوس بود، او خدای درخت به طور مطلق نیز شناخته می‌شد. (فریزر ۱۳۸۸: ۴۴۴)

خدای شراب می‌توانست مهربان و سخاوتمند باشد یا حتی سنگدل و ستمگر که باعث وحشت انسان‌ها شده و وادار به انجام کارهای سهمناک شوند. این خلق و خوی دوگانه برآمده از دوگانگی حالت شراب است که هم آزادی و شادی به

همراه دارد و هم اعمال وحشیانه. (همیلتون ۱۳۸۷: ۷۸ - ۷۳) قدیمی‌ترین منابع ویژگی‌های دیونیزوس، نشان می‌دهد که او به عنوان هر دو نیروی مخرب و نیروبخش تصور می‌شد. (گیلینستروم ۲۰۲۲: ۲۳) این ویژگی دوگانه در آیین‌های پرستش وی نیز قابل مشاهده است.

جشن دیونیزوس در بهار، هنگامی که درختان انگور جوانه می‌زدند برگزار می‌شد و تا پنج روز ادامه داشت. این روزها، روزهای مهرورزی و سازش و شادی بود (همیلتون ۱۳۸۷: ۸۰) و گمان می‌رفت که خدا، بهار را با خود می‌آورد. در جشن‌های باشکوهی که در ستایش این خدای شگفت‌انگیز برپا می‌شد با افراط در می‌گساری، پایکوبی و رقص‌های تند، قهقهه‌ها و فریادهای زوزه‌مانند و بازی‌های مرموز همراه بود که باکانت‌ها^۱ و منادها^۴، دایگان دیونیزوس با موهای آشفته و آراسته به پیچک و تیروسوس^۵ به دست، به هر سو می‌دوند و با فریادهای درهم خود به پرستش و ستایش خدای شراب می‌پرداختند. (راهگانی ۱۳۸۷: ۵۸۷) در دیونیسیا، راهپیمایی آیینی به سمت محراب دیونیزوس از تشریفات مذهبی اصلی بود. (کولیشووا و کارپوک ۲۰۲۲: ۹۴)

دسته‌های سرودخوان در برابر پیکره‌های دوازده‌گانه خدایان به آوازخوانی جمعی می‌پرداختند و انبوه جمعیت از زنان و مردان، همراه حیوانات قربانی شده راهپیمایی منظمی ترتیب می‌دادند. در این مراسم آیینی، شمایل دیونیزوس را از معبدی به معبد دیگر در خارج شهر حمل می‌کردند. (راهگانی ۱۳۸۷: ۵۸۹) ماسک مذهبی با تصویر دیونیزوس که هنگام افتتاح مراسم دیونیسیا به کار می‌رفت مانند سایر ماسک‌های مذهبی، جزو اشیاء پرستشی بود که برای پوشیدن در نظر گرفته نشده بود. این ماسک‌ها در ابعاد مختلف وجود داشت و معمولا از مواد بادوام

س ۲۰- ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۹۷

مانند سفال و سنگ مرمر ساخته می‌شد زیرا قرار نبود بارها تعویض یا جایگزین شود. از طرف دیگر ماسک‌های آیینی، برای پوشیدن در مراسم و جشن‌ها به کار می‌رفت که یا از مواد فاسدشدنی ساخته شده بودند یا از مواد سبک و بادوام، مانند ماسک‌های مورد استفاده در جشن پایانی دیونسیسا. (دبی ۲۰۲۲: ۷۸) پایان این مراسم آیینی با پایکوبی و شادی همراه بود.

باشکوه‌ترین جشنواره‌های دیونیزوس، دیونسیسای شهر (بزرگ) بود که مردم در مراسم افتتاح آن، هنگام بیرون آمدن از معبد این خدا با لباس‌های خنده‌دار و صورتک، کارناوال به راه می‌انداختند. (راهگانی ۱۳۸۷: ۵۸۸) سه عنصر مهم مراسم آیینی دیونیزوس: قربانی، سرودخوانی، مستی و بی‌خودی (ثمینی و خزایی ۱۳۸۲: ۷۸) بود که در دوره هومری به صورت رقص و پایکوبی دسته جمعی زنان در جشن شراب و باروری برپا و توسط آنان نیز رهبری می‌شد (راهگانی ۱۳۸۷: ۵۹۰ - ۵۸۹) بنابراین حضور برجسته زنان در اجرای مراسم دیونسیسا به روشنی مشهود است.

دیونیزوس خدایی است که ناخواسته برای آفرینش و باروری زمین توسط دیگر خدایان قربانی می‌شود و می‌توان او را خدای قربانی‌شونده در نظر گرفت. (دادخواه تهرانی و زاهدی ۱۳۹۱: ۱۲۹) گمان می‌رود که قطعه‌قطعه کردن گاو نر و خوردن آن در آیین‌های دیونیزوسی مرسوم بوده باشد زیرا او اغلب به صورت حیوان، به ویژه گاو نر، مجسم می‌شد. حیوان دیگری که دیونیزوس به شکل آن درمی‌آمد، بُز بود، بنابراین گاهی این حیوان را در مراسم آیینی خدای تاکستان، قربانی می‌کردند. (فریزر ۱۳۸۸: ۴۴۹ - ۴۴۷) با توجه به سطور بالا می‌توان قربانی و اهدای پیشکش را بخش جدایی ناپذیر آیین‌های پرستش دانست.

در پایان سال، زنان سال کهنه را از شهر بیرون می‌بردند و در بازگشت، سال نو را به شهر می‌آوردند (پین سنت ۱۳۸۷: ۸۷) و رستاخیز سرور انگیز ایزد گیاهی را جشن می‌گرفتند.

روایت‌های گوناگونی از سرگذشت دیونیزوس پس از تولد موجود است. برخی از آن‌ها دربردارندهٔ مراسمی آیینی است و به این صورت نقل می‌شوند که پس از مرگ سِمَله (مادر دیونیزوس)، کودک را در صندوقی به دریا افکندند و پرستاری این صندوق را از آب می‌گرفت. این‌چنین روایتها بعدها به صورت مراسم آیینی که تندیس دیونیزوس را در صندوقی نهاده و به آب می‌سپردند، جلوه‌گر می‌شود. (پین سنت ۱۳۸۷: ۸۷ - ۸۵) در اینجا نیز نقش آب و به آب سپاری به صورت نمادین در اجرای مراسم آیینی و پرستش خدای باروری و گیاهی قابل توجه است.

۳) آیین آدونیا: آیین آدونیس قرن هفتم پ.م. توسط یونانی‌ها از سوگواری و نوحه‌سرایی برای خدایان بین‌النهرینی تموز (یا دوموزی)، همسر الهه عشق ایشتار^۱ (یا اینانا^۲) اقتباس شده است. عدم حضور مردان در مراسم آتیک^۳ نشان می‌دهد که آدونیس از طریق تجارت با قبرس یا فنیقیه به آتن نیامده است. آدونیس یونانی از همان ابتدا در دست زنان بود (ریید ۱۹۹۵: ۳۱۷) و توسط آنان برگزار می‌شد. او که جوانی اهل شکار بود توسط گراز وحشی، زخمی و کشته شد و از محل ریزش خون او بر زمین، گل سرخ‌رنگی روید. (همپلتون ۱۳۸۷: ۱۲۰ - ۱۱۹) پس از مرگ آدونیس، به اصرار آفرودیت، خدایان موافقت کردند که او شش‌ماه از سال زنده شود. از این رو مردم هر سال تولد دوبارهٔ وی را که

1. Ishtar
3. Attic rite

2. Inanna

س ۲۰- ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۹۹

نشان‌دهنده زوال و تجدید حیات سالانه طبیعت بود، جشن می‌گرفتند که به جشن آدونیا معروف بود. (معصومی ۱۳۸۸: ۱۹۸)

نحوه اجرای مراسم و فصل برگزاری جشنواره‌های آدونیس، در مکان‌های مختلف اندکی متفاوت بود. گمان می‌رود این مراسم آیینی در اسکندریه در تابستان برگزار می‌شده همچین به نظر می‌رسد که جشنواره فنیقی، بهاری بوده باشد. (فریزر ۱۳۸۸: ۳۸۵) مهم‌ترین معبد آدونیس در بیلوس^(۶) قرار داشت و در آنجا به عنوان سومین خدای مهم موردپرستش قرار می‌گرفت و به منظور یادبود درگذشت او در معبد آستارته مراسم برگزاری می‌شد. (دیکسون کندی ۱۳۹۰: ۲۳) پس از مرگ آدونیس، آفرودیت به یاد وی، مراسم عزایی برپا کرد که هر ساله در بهار توسط زنان سوری تکرار می‌شد. (گریمال ۱۳۹۱: ۲۴)

آدونیس از سوی یونانی‌ها به عنوان خدای گیاهان پرستیده می‌شد. در این سرزمین (یونان) نیز زنان در بهار، مراسم برای مرگ و رستاخیز او ترتیب می‌دادند. (دیکسون کندی ۱۳۹۰: ۲۴ - ۲۳) دختران یونانی هر سال برای آدونیس سوگواری می‌کردند و زمانی که گل شقایق نعمانی که از خون او روییده بود، دوباره شکوفا می‌شد، جشن و پایکوبی برپا می‌کردند. (همیلتون ۱۳۸۷: ۱۱۹) سرنوشت این جوان زیبا و بی‌گناه که به خاطر عشق، ربوده شده و به کمک خدایان به زمین بازگشته بود برای زنان بسیار مهم بود، از این رو مراسم مربوط به او را هر سال هنگام برداشت محصول برگزار می‌کردند. این مراسم که متعلق به جامعه کشاورزی بود، برای نمایش مرگ و رستاخیز ایزد بارورکننده انجام می‌شد. (راهگانی ۱۳۸۷: ۱۱۹) برپایی آیین آدونیا توسط زنان، نقش پررنگ آنان را در مراسم یادبود این خدای نباتی نشان می‌دهد.

در جشنواره سالانه‌ای که یونانیان به یادبود مرگ آدونیس برگزار می‌کردند، پیکره روغن مالیده و آراسته شده او را به نمایش می‌گذاشتند. قربانی ویژه تدفین و

اطعام جمعی نیز بخشی از این مراسم آیینی بود. تندیس‌های مومی و گلی آدونیس را بر دروازه‌ها یا ایوان خانه‌ها قرار می‌دادند، قربانی و اطعام جمع می‌کردند و زنان سوگوار، گریان و سینه‌زنان دور این مجسمه‌ها جمع شده یا در حالی که آیین‌وار می‌رقصیدند آن‌ها را در شهر می‌گرداندند و با نوای آرام فلوت، نوحه‌سرایی می‌کردند. نوحه‌هایی که گیگورو^(۷) یا گیگورا نامیده می‌شد. (ژیوان و همکاران ۱۳۷۵: ۱۷۲ - ۱۷۱) بخشی از این مراسم آیینی به این صورت بود که هر ساله بذرهایی از گندم سفید، کاهو، رازیانه و انواع گل‌ها را در ظروف مختلف می‌کاشتند و با آب گرم آبیاری می‌کردند تا زودتر جوانه زده و رشد کنند. (تصویر شماره ۳) سبدها یا سینی‌های سبزه را «باغ‌های آدونیس» می‌نامیدند. گیاهانی که به این شیوه رویانده می‌شد خیلی زود از بین می‌رفت که یادآور هستی زودگذر آدونیس بود و زنان برگزارکننده این مراسم بر سرگذشت تلخ او، همانند آفرودیت می‌گریستند و به شیون و زاری می‌پرداختند. (گریمال ۱۳۹۱: ۲۴)



تصویر شماره ۲: صحنه‌ای از جشنواره آدونیس، حدود قرن ۴ پ.م. محل نگهداری: موزه بریتانیا (همان: ۱۴)



تصویر شماره ۱: صحنه آب دادن باغ‌های آدونیس، قرن ۵ پ.م. محل نگهداری: موزه آکروپولیس (کیم ۱۹۷۹: ۱۳)

س ۲۰- ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۱۰۱

جشن بهاری آدونیس در یونان، در ابتدا آیین سوگ بوده که یادآور مرگ آدونیس، خدای گیاهی بود، اما به طور هم‌زمان جشن شادی نیز بود زیرا خدا دوباره زنده می‌شد و به زمین باز می‌گشت. (تصویر شماره ۲) در این آیین سوگ، زنان با شیون (نوحه‌خوانی) و زاری سوزناک پیکره خدا را که مانند جسدی کفن‌پوش بود بر سر گور برده و سپس به چشمه آب یا دریا می‌افکندند. این رسم آیینی به آب سپردن باغ‌های آدونیس و پیکره‌های نمادین او به منظور باران‌خواهی انجام می‌گرفت (کریستین سن ۱۳۶۳: ۴۷۶) که یادآور شمایل‌گردانی و نیز به آب سپاری در مراسم یادبود سایر خدایان گیاهی همچون سیاوش و دیونیزوس است.

ب) مشترکات آیینی سیاوشان با آیین‌های دیونسیا و آدونیا (مراسم آیینی اساطیر یونانی)

وجوه اشتراک آیین سیاوشان با دیونسیا و آدونیا: با در نظر گرفتن نشانه‌های آیینی در برپا داشتن آیین سیاوشان، اکنون می‌توان به اشتراکات موجود با آیین دیونسیا و آدونیا پرداخت. روند تغییر فصول، رویش گیاه، رشد و سپس مرگ و باززایی‌اش در ذهن بدوی انسان نامتمدن به درستی قابل‌درک نبود و تحولات طبیعت اطرافش را با اراده خدای زمین و باروری در پیوند می‌دانست، بدین روی با برگزاری آیین‌های سالانه در پی جلب رضایت ایزد بارورکننده زمین بود. (ثمینی و خزایی ۱۳۸۲: ۷۹) بنابراین در اندیشه انسان پیش از تاریخ، همبستگی مرگ و زندگی شکلی اسطوره‌ای به خود گرفت و سبب ایجاد ایزد گیاهی در تمدن‌های گوناگون گردید. بر پایه این باور، خدای بارورکننده می‌میرد و به جهان زیرین می‌رود، اما پس از سیر تحولات اسطوره‌ای در هنگام بهار دوباره به طبیعت برمی‌گردد. (شکیبی ممتاز ۱۳۸۹: ۱۰۳) در برپایی سه آیین سیاوشان، دیونسیا و

آدونیا که ریشه در پرستش و یادبود ایزد گیاهی داشته و به منظور برکت‌بخشی انجام می‌گرفته می‌توان اشتراکاتی را در نحوه اجرای مراسم مشاهده کرد.

یکی از چشم‌گیرترین وجوه اشتراک، زمان برگزاری هر سه مراسم آیینی است که هر ساله در آغاز بهار هنگام بازگشت سرسبزی و خرمی به طبیعت انجام می‌شده است. حرکت دسته‌جمعی، راهپیمایی آیینی و سوگواری گروهی در هر سه مراسم آیینی به روشنی دیده می‌شود. شیون و زاری در یادبود ایزد گیاهی شهید شونده از رسوم است که در آیین‌های مذکور از ارکان اصلی برپایی مراسم بوده و موسیقی، نوحه‌سرایی و سوگ‌سرود نیز وابسته به آن است.

نقش زنان در دوره مدارسالاری که در آن اقوام، کشاورز هستند، اهمیت بسیاری دارد و الهه مادر به عنوان الهه حاصل‌خیزی و برکت موردپرستش قرار می‌گیرد. اهمیت نقش زنان در این دوره، این‌گونه به تصویر درآمده است که با برپایی آیین‌های سوگواری و گریستن بر مردگان، موجب زنده شدن دوباره آن‌ها می‌شوند. (ذبیح‌نیا عمران و کریمی ۱۳۹۸: ۴۳۸) حضور پررنگ زنان در برپایی مراسم از دیگر مشترکات این آیین‌ها به شمار می‌رود که می‌تواند ریشه در این باور کهن داشته باشد که به دنبال حاصل‌خیزی و برکت‌بخشی شکل گرفته‌اند. گفتنی است که آیین آدونیا توسط زنان برگزار می‌شده و در آیین دیونیسیا نیز زنان اداره مراسم را بر عهده داشته‌اند.

در اجرای مراسم یادبود دیونیزوس هنگامی که ماسک این ایزد را با تشریفاتی جمعی به معبد مخصوص می‌برند و نیز زمانی که تندیس‌های مومی یا گلی آدونیس در مراسم آدونیا توسط زنان در شهر چرخانده می‌شد، قابل قیاس و مشابه با تابوت‌گردانی یا شمایل‌گردانی در آیین سوگ سیاوش است. اعطای قربانی نیز در هر سه مراسم آیینی انجام می‌گرفته که در آیین سیاوشان به قربانی

س ۲۰- ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های .../ ۱۰۳

خروس و در آیین دیونیزوس به بز و گاو نر اشاره شده است. رویاندن سبزه و افکندن آن در طبیعت و آب که بخشی از سنت آیینی سیاوشان است با سنت رویاندن بذره‌های مشهور به باغ‌های آدونیس و به آب سپردن آن‌ها در آیین آدونیا دارای همانندی است و الگویی مشابه را نشان می‌دهد. سپردن صندوق حاوی شمایل دیونیزوس به آب در برخی مراسم آیینی این ایزد می‌تواند قابل قیاس با سنت به آب سپردن سبزه باشد.

همان‌طور که اشاره شد، در باور مردمان، خدای بارورکننده پس از مرگ به جهان زیرین می‌رود و سپس در بهار رستاخیز می‌کند. در هر سه مراسم آیینی پس از سوگ، جشنی برای تولد دوباره ایزد برپا می‌شود. در (

جدول) وجوه اشتراک و افتراق آیین سیاوشان، دیونسیا و آدونیا آورده شده است.

جدول شماره ۱: وجوه اشتراک و افتراق در آیین سیاوشان، دیونسیا و آدونیا (نگارندگان)

آدونیا	دیونسیا	سیاوشان	
✓	✓	✓	تکرار سالیانه
✓	✓	✓	زمان برگزاری در بهار
✓	✓	✓	سوگواری دسته‌جمعی
✓	✓	✓	تابوت گردانی/شمایل گردانی
✓	✓	✓	شیون و زاری
✓	✓	✓	حضور زنان
✓	✓	✓	موسیقی و خواندن سوگ سرود
✓	✓	✓	اعطای قربانی
✓	✓	✓	جشن رستاخیز
✓	-	✓	رویاندن سبزه و افکندن در طبیعت/آب
-	✓	-	باده‌نوشی/مستی و بی‌خودی

نتیجه

پیشینه آیین‌های باروری به دوران کهن باز می‌گردد، زمانی که انسان‌ها برای درک چرخه سالانه طبیعت و برکت‌خواهی و حاصل‌خیزی به اساطیر و ایزدان نباتی و اجرای مراسم آیینی برای آن‌ها پناه می‌برند. مطالعه تطبیقی اساطیر ملل مختلف نشان می‌دهد که بین اساطیر باروری و آیین‌های مرتبط با آن‌ها درون‌مایه‌ای مشترک وجود دارد. سیاوشان و آیین‌های وابسته به آن که مربوط به سوگ سیاوش و به یادبود او برگزار می‌شد ریشه در اسطوره‌های کهن ایران داشته و از آیین‌های ایزدان گیاهی و باروری به شمار می‌رود. با بررسی شیوه برپایی این مراسم آیینی، نشانه‌هایی استخراج شد که پس از مقایسه با دو آیین دیونیسیا و آدونیا که هر دو مربوط به آیین‌های باروری و ایزدان گیاهی یونان هستند، وجود اشتراکاتی در هر سه آیین آشکار گردید.

با استناد به شواهد، میان آیین‌های مذکور شباهت‌هایی در اجرای مراسم آیینی و ماهیت آن‌ها به چشم می‌خورد. عناصر مشترک این سه آیین از قبیل: تکرار سالیانه، زمان برگزاری، حرکت دسته‌جمعی و سوگواری گروهی، حضور پررنگ زنان، تابوت‌گردانی و شمایل‌گردانی، شیون و زاری، موسیقی و خواندن سوگ‌سرود، اعطای قربانی، رویاندن سبزه و افکندن آن در طبیعت یا آب و نیز برپایی جشن و پایکوبی چند روز پس از سوگواری به منظور شادی در رستاخیز ایزد شهید شونده، نشان می‌دهد که ریشه آیین‌های سوگ در مرگ و رستاخیز ایزدان گیاهی و باروری از الگویی تکرارشونده پیروی می‌کردند. سه آیین یاد شده گویای ایفای نقش مهم آن‌ها در زندگی مردمان دوران کهن و پایبندی آنان در برگزاری سالانه این مراسم است. همچنین وجود اشتراکات در مراسم آیینی سیاوشان با دیونیسیا و آدونیا که در میان اقوام ایرانی و یونانی مرسوم بود،

س ۲۰- ش ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های .../ ۱۰۵
می‌تواند نشان از هم‌پایی اساطیر این دو سرزمین متمدن و تاثیرگذاری و
تاثیرپذیری از یکدیگر چه به طور مستقیم و چه با واسطه باشد، البته قطعیتی در
این رابطه وجود ندارد و تنها می‌تواند نشانگر اجرای الگویی تکرار شونده در
مراسم آیینی ستایش خدای باروری و گیاهی در سرزمین‌های مختلف باشد.

پی‌نوشت

۱) پنجکنت در حدود هفتاد کیلومتری شهر سمرقند و در کنار رود زرافشان، در سرزمین
باستان سغد قرار دارد. (حضوری ۱۳۷۸: ۶۰) محدوده فرهنگی سغد از مهم‌ترین مراکز تمدنی
شرق ایران بزرگ است که مناطقی چون سمرقند، بخارا و خجند از مهم‌ترین شهرهای این
سرزمین هستند. (مولودی آرانی ۱۳۹۹: ۱۴۳)

۲) کین سیاوش یعنی روزی که کیخسرو انتقام خون پدرش را از افراسیاب گرفت. (ادریسی
۱۳۸۳: ۱۰)

۳) کوزه سفالی (آمفورا) رنگارنگ کشف شده از مرو موجود در موزه آرمنیائز که به سیاوش
منسوب است و تصویری روایی است. (قائمی ۱۳۹۳: ۱۶۲) آمفورا خمیره سفالی بزرگ و
دارای دودسته که در یونان باستان برای نگهداری شراب، روغن، غلات و غیره ساخته می‌شد.
(پاکباز ۱۳۹۳: ۴۷)

۴) زنانی بودند که با نوشیدن شراب آشفته و پریشان می‌شدند. به میان جنگل‌ها و کوهستان‌ها
می‌رفتند، با فریادهای گوشخراش و تکان دادن چوب‌ها و شاخه‌ها بالای سر، مستانه به هر سو
می‌دویدند و هرگاه وحوش را بر سر راه خود می‌دیدند آن‌ها را قطعه قطعه کرده و می‌بلعیدند.
(همیلتون ۱۳۸۷: ۷۳)

۵) تیروسوس، چوبدست پیچک‌پیچ که میوه کاج بر سرش نصب شده. (وارنر ۱۳۸۶: ۲۹۴)

۶) مهم‌ترین مکان پرستش آفرودیت. بیبلوس، قدیم‌ترین شهر فنیقیه بوده و در اوایل پیدایش
جهان به دست ثل، خدای بزرگ که یونانیان او را با کرونوس یکی می‌انگاشتند، ساخته شده
بود. (فریزر ۱۳۸۸: ۳۶۱)

۷) گیگورو واژه فنیقی که به مراسم تدفین اطلاق می‌شد. (ژیران و همکاران ۱۳۷۵: ۱۷۲)

کتابنامه

- آینه‌وند، صادق و نصرالله، حسن، ۱۴۲۷ ه.ق. پژوهشی تطبیقی در اسطوره‌های باروری و رویش سیاوش و آدونیس. *دراسات فی العلوم الانسانیة*. ۱۳(۲)، صص. ۸ - ۱.
- ادریسی، مه‌ری، ۱۳۸۳. آیین سوگ سیاوش در نوروز. *پیک نور*، ۲(۶)، صص. ۱۲ - ۲.
- الیاده، میرچا، ۱۳۸۵. *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- براکت، اسکار گروس، ۱۳۸۰. *تاریخ تئاتر جهان*. ترجمه هوشنگ آزادی‌ور. ج ۱. تهران: مروارید.
- بلنیتسکی، الکساندر، ۱۳۹۰. *هنر تاریخی پنجنکت*. ترجمه عباس علی عزتی. تهران: متن.
- بهار، مه‌رداد، ۱۳۸۶. *از اسطوره تا تاریخ*. چشمه.
- _____، ۱۳۹۵. *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.
- _____، ۱۳۷۴. *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: فکروز.
- بیضایی، بهرام، ۱۳۸۳. *نمایش در ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پاکباز، رویین، ۱۳۹۳. *دایره‌المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.
- پین‌سنت، جان، ۱۳۸۷. *اساطیر یونان*. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- پورخالقی چترودی، مهدخت و حق‌پرست، لیلا، ۱۳۸۹. بررسی تطبیقی آیین‌های سوگ در شاهنامه و بازمانده‌های تاریخی مذهبی سوگواری در ایران باستان. *ادب و زبان*، (۲۴)، صص. ۸۶ - ۶۳.
- ثمینی، نغمه و خزایی، محمد، ۱۳۸۲. آیین و ادبیات مقدمه‌ای بر خاستگاه هنر نمایش. *کتاب هنر*، (۵۵ و ۵۶)، صص. ۸۵ - ۷۰.
- حصوری، علی، ۱۳۷۸. *سیاوشان*. تهران: چشمه.
- خجسته، فرامرز و حسنی جلیلیان، محمدرضا، ۱۳۸۹. تحلیل داستان سیاوش بر بنیاد ژرف‌ساخت اسطوره‌الهی باروری و ایزد گیاهی. *تاریخ ادبیات*، (۶۴)، صص. ۹۶ - ۷۷.
- خسروی، رکن‌الدین، ۱۳۶۷. از آدونیس تا سیاوش. *چیستا*، (۴۸ و ۴۹)، صص. ۷۷۵ - ۷۶۷.
- دادخواه تهرانی، مریم و زاهدی، فریندخت، ۱۳۹۱. بررسی الگوی قربانی میتراثیستی و دیونیزیوسی در نمایشنامه‌ی شاه لیر. *تئاتر*، (۴۸)، صص. ۱۵۰ - ۱۲۱.
- دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۷۹. *تاریخ تئاتر*. گردآوری و تدوین عباس شادروان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

س ۲۰-ش ۷۵-تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های .../ ۱۰۷
دیکسون کندی، مایک، ۱۳۹۰. *دانشنامه اساطیر یونان و روم*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران:
طهوری.

ذبیح‌نیا عمران، آسیه و کریمی، نجمه، ۱۳۹۸. بررسی تطبیقی تراژدی سیاوش در ایران و
آراگیتسیک و شامیرام در ارمنستان. *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*، (۵۱)، صص. ۴۴۹ -
۴۲۳.

راهگانی، روح انگیز، ۱۳۸۷. *تاریخ نمایش، تئاتر و اسطوره در عهد باستان*. تهران: قطره.
رحمانی، ریحانه، قائمی، فرزاد و پورخالقی چترودی، مهدخت، ۱۴۰۱. بررسی تطبیقی ساختار
آیینی نروز سیاوشان و آکیتو برمبنای نظریه اسطوره و آیین. *جستارهای نوین ادبی*، (۲۱۷)،
صص. ۲۵ - ۱.

DOR: 10.22067/JLS.2022.74073.1213

رویانی، وحید و حاتمی‌نژاد، منصور، ۱۳۹۴. سیاوش و اسطوره بازگشت جاودانه. *ادبیات
عرفانی و اسطوره‌شناسی*، ۱۱(۴۰)، صص. ۲۶۱-۲۳۹.

DOR: 20.1001.1.20084420.1394.11.40.8.0

ژیران، ف؛ لاکوئه، گ و دلاپورت، ل، ۱۳۷۵. *اساطیر آشور و بابل*. ترجمه ابوالقاسم
اسماعیل‌پور. تهران: فکروز.

شافعی، کیوان، خالندی، انور و قادرنژاد، مهدی، ۱۳۹۷. بازخوانی آیین سوگ سیاوش و تعزیه
امام حسین^(ع) (بر مبنای تحلیل نگاره‌های مربوط به سوگ سیاوش در آسیای مرکزی و اثری از
(حسین زنده‌رودی). *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، (۴۹)، صص. ۹۴ - ۷۱.
شکیبی ممتاز، نسرین، ۱۳۸۹. جایگاه سیاوش در اساطیر. *متن‌شناسی ادب فارسی*، (۵)، صص.
۱۱۶ - ۱۰۱.

فریزر، جیمز جورج، ۱۳۸۸. *شاخه زرین (پژوهشی در جادو و دین)*. ترجمه کاظم فیروزمند.
تهران: آگاه.

قائمی، فرزاد، ۱۳۹۲. از ریپه‌وین تا سیاوش (تحلیل اسطوره‌شناسی ساختار آیینی داستان
سیاوش بر مبنای الگوی هبوط ایزد ریپه‌وین و آیین‌های سالانه مرگ و تولد دوباره در فرهنگ
ایران). *جستارهای نوین ادبی*، (۱۸۳)، صص. ۸۶ - ۶۱.

DOI: 10.22067/JLS.V46I4.25298

قائمی، فرزاد، ۱۳۹۳. نقد و تحلیل ساختار آیینی اسطوره سیاوش (مقایسه سیاوش - سیاوشان
با تراژدی - دیونسیا بر مبنای نظریه اسطوره و آیین). *نقد ادبی*، (۲۵)، صص. ۱۸۴ - ۱۵۳.

۱۰۸ / ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی _____ الهام خداوندگاری - سیدهاشم حسینی

گریستین سن، آرتور، ۱۳۶۳. نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران‌یان. ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار. تهران: نشر نو.

گریمال، پیر، ۱۳۹۱. فرهنگ اساطیر یونان و روم. ترجمه احمد بهمنش. تهران: امیرکبیر.

گیلانی، نجم‌الدین، اکبری، مرتضی و یاری، سیاوش، ۱۳۹۶. بررسی تحلیلی و تطبیقی سوگ‌آیین‌های لری و کردی با سنت سوگواری در شاهنامه. نشریه ادبیات تطبیقی، ۹(۱۷)، صص. ۱۸۳ - ۲۰۵.

گیلانی، نجم‌الدین و گیلانی، آذرنوش، ۱۳۹۳. سوگ سیاوش و شباهت آن به سوگ‌آیین‌های محلی (لری و کردی). ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، ۳(۲)، صص. ۲۰۳ - ۱۸۲.

DOR: 20.1001.1.2345217.1393.4.1.7.1

مسکوب، شاهرخ، ۱۳۵۷. سوگ سیاوش. تهران: خوارزمی.

معصومی، غلامرضا، ۱۳۸۸. دایره‌المعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان. ج ۱. تهران: سوره مهر.

مولودی آرانی، علی، ۱۳۹۹. شمایل سیاوش، تجسم مادی و تصویری اسطوره‌ی سیاوش در مواد باستانشناسی شرق ایران بزرگ در دوره ساسانی و سه سده نخستین دوران اسلامی. هنرهای صناعی ایران، ۳(۱)، صص. ۱۶۱ - ۱۴۱.

DOI: 10.22052/3.1.141

نرشخی، محمدبن جعفر، ۱۳۸۷. تاریخ بخارا. ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القبادی. تهران: توس.

نعمت طاووسی، مریم، ۱۳۸۶. بازجست اجزای آیین‌های سیاوشی. مطالعات ایرانی، ۱۲(۱)، صص. ۱۹۶ - ۱۸۱.

وارنر، رکس، ۱۳۸۶. دانشنامه اساطیر جهان. برگردان ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.

همیلتون، ادیت، ۱۳۸۷. سیری در اساطیر یونان و روم. ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: اساطیر.

English sources

Dubay, N. (2022). Faces of Terracotta and Stone: Masks, Ritual, and Inversion in Ancient Greece and Rome. *Play, Masks and Make - believe*, 75 - 95.

Gyldenstrøm, F. (2022). The transformations of Dionysus: chasing the ancient god of wine through History. In *Kindred Spirits: Representations of Alcohol in Literature and Film*, 21 - 45.

س ۲۰- ش ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۱۰۹

Kim, Y. S. (1979). The Garden of Adonis. *Journal of the Japanese Institute of Landscape Architects*, 42(3), 10 - 17.

Kulishova, O. V & Karpyuk, S. G. (2022). The Lenaian Festival at Classical Athens in Sociocultural Context. *Вестник Санкт - Петербургского университета. История*, 67(1), 92 - 101.

Reed, J. D. (1995). The sexuality of Adonis. *Classical Antiquity*, 14(2), 317 - 347.

References (In Persian)

- Āyīneh-vand, Sādeq and Nasro al-llāh, Hassan. (2006/1427AH). *Pažūhešī Tatbīqī dar Ostūrehā-ye Bārvarī va Rūyeše Sīyāvaš va Ādonīs. The Journal of Research in Humanities*. 13th Year. No. 2. Pp. 1-8.
- Bahār, Mehr-dād. (2007/1386SH). *Az Ostūre tā Tārīx*. Tehrān: Češme.
- Bahār, Mehr-dād. (1995/1374SH). *Jostārī Čand dar Farhange Īrān*. Tehrān: Fekre Rūz.
- Bahār, Mehr-dād. (2016/1395SH). *Pažūhešī dar Asātīre Īrān*. Tehrān: Āgah.
- Belenitskii, Aleksandr Markovich. (2011/1390SH). *Honare Tārīxī-ye Panjakent (Monumentalnoe Iskusstvo Pendzhikenta)*. Tr. by Abbās Alī Ezatī. Tehrān: Matn.
- Beyzāyī, Bahrām. (2004/1383SH). *Namāyeš dar Īrān*. Tehrān: Rowšan-garān va Motāle'āte Zanān.
- Brokett, Oscar Gross. (2001/1380SH). *Tārīxe To'ātre Jahān (History of the Theatre)*. Tr. by Hūšang Āzādī-var. 1st Vol. Tehrān: Morvārīd.
- Christensen, Arthur. (1984/1363SH). *Nemūnehā-ye Noxostīne Ensān va Noxostīne Šahrīyār dar Tārīxe Afsānenī-ye Īrānīyān (Les types du premier homme et du premier roi dans l'histoire legendaire des Iraniens)*. Tr. by Ahmad Tafazzolyand Žālleh Āmūzegār. Tehrān: Našre Now.
- Dād-xāh Tehrānī, Maryam & Zāhedī, Farīn-dox. (2012/1391SH). *Barrasī-ye Olqū-ye Qorbānī-ye Mītrā'istī va Dīyonīzūsī dar Namāyeš-nāme-ye Šāh Līr. Theater magazine*. No. 48. Pp. 121-150.
- Dixon Kennedy, Mike. (2014/1393SH). *Dāneš-nāme-ye Asātīre Yūnān va Rom (Encyclopedia of Greco-Roman mythology)*. Tr. by Roqayyeh Behzādy. Tehrān: Tahūry.
- Durant, William James. (2000/1379SH). *Tārīxe To'ātr (History of the Theatre)*. Compiled and compiled by Abbās Šād-ravān. Tehrān: Elmī va Farhangī.
- Edrīsī, Mehrī. (2004/1383SH). *Āyīne Sūge Sīyāvaš dar Nowrūz. Journal of Peyk Noor*. 2nd Year. No. 6. Pp. 2-12.
- Eliade, Mircea. (2006/1385SH). *Resāleh dar Tārīxe Adyān (Traite d'histoire des religions)*. Tr. by Jallāl Sattārī. Tehrān: Sorūš.

Frazer, James George. (2009/1388SH). *Šāxe-ye Zarrīn (Pažūhešt dar Jādū va Dīn) (The Golden Bough)*. Tr. by Kāzem Fīrūz-mand. Tehrān: Āgah.

Grimal, Pierre. (2012/1391SH). *Farhange Asātīre Yūnān va Rom (Dictionnaire de la mythologic Grecque et Rmaine)*. Tr. by Ahmad Beh-maneš. Tehrān: Amīr-kabīr.

Gīlāny, Najmo al-ddīn & Akbarī, Morteżā and Yārī, Sīyāvaš. (2017/1396SH). *Barrasī-ye Tahlīlī va Tatbīqī-ye sūge-āyīnhā-ye Lorī va Kordī bā Sonnate Sūgvārī dar Šāh-nāme. Scientific Journal of Motaleate Tatbighi-e Honar. 9th Year. No. 17. Pp. Doi: 183-205.20.1001.1.2345217.1393.2.1.7.1.*

Guirand, Felix and Delaporte, Louis Joseph. (1996/1375SH). *Asātīre Āšūr va Bābol (The myths of Assyria and Babylonia)*. Tr. by Abo la-qāsem Esmā'īl-pūr. Tehrān: Fekre Rūz.

Hamilton, Edith. (2008/1387SH). *Seyrī dar Asātīre Yūnān va Rom (Mythology: Timeless tales of Gods and Heroes)*. Tr. by Abdo al-hosseyn Šarīfīyān. Tehrān: Asātīr.

Hosūrī, Alī. (1999/1378SH). *Sīyāvošān*. Tehrān: Češmeh.

Ma'sūmy, Qolām-rezā. (2009/1388SH). *Dāyerato al-ma'ārefe Asātīr va Āyīnhā-ye Bāstānī-ye Jahān*. 1st Vol. Tehrān: Sūre-ye Mehr.

Meskūb, Šāhrox. (1978/1357SH). *Sūge Sīyāvaš*. Tehrān: Xārazmī.

Mowlūdy Ārāny, Alī. (2020/1399SH). *Šamāyeleh Sīyāvaš, Tajassome Māddī va Tasvīrī-ye Ostūrehā-ye Sīyāvaš dar Mavāde Bāstān-šenāsī-ye Šarqe Īrāne Bozorg dar Dowre-we Sāsānī va se Sade-ye Noxostīne Dowrāne Eslāmī. Journal of Iranian Handicrafts Studies (Honar-haye Sana'ee-ye Iran). 3rd Year. No. 1. Pp. 141-161. Doi: 10.22052/3.1.141*

Naršaxī, Mohammad Ebne Ja'far. (2008/1387SH). *Tārīxe Boxārā*. Tr by Abū Nasr Ahmad Ebne Mohammad Ebne Nasre al-qobādī. Tehrān: Tūs.

Ne'mat Tāvūsī, Maryam. (2007/1386SH). *Bāzjoste Ajāzā-ye Āyīnhā-ye Sīyāvašt. Journal of Iranian Studies. No. 12. Pp. 181-196.*

Pāk-baz, Rūyīn. (2014/1393SH). *Dāyerato al-ma'ārefe Honar*. Tehrān: Farhange Mo'āser.

Pinsent, John. (2008/1387SH). *Asātīre Yūnān (Greek mythology)*. Tr. by Bājelān Farroxī. Tehrān: Asātīr.

Pūr-xāleqī Čatrūdī, Mahdoxt and Haq-parast, Leylā. (2010/1389SH). *Barresī-ye Tatbīqī-ye Āyīnhā-ye Sūg dar Šāh-nāme va Bāz-māndehā-*

- ye *Tārīxī Mazhabī-ye Sūgvārī dar Īrāne Bāstān*. *Journal of Prose Studies in Persian Literature*. No. 24. Pp. 63-86.
- Qā'emī, Farzād. (2013/1392SH). *az Repīhvīn tā Sīyāvaš (Tahlīle Ostūre-šenāxtī-ye Sāxtāre Āyīnī-ye Dāstāne Sīyāvaš bar Mabnā-ye Olgū-ye Hobūt Īzade repīhvīn va Āyīnhā-ye Sālāne-ye Marg va Tavallode Dobāre dar Farhange Īrān*. *New Literary Studies*. No. 183. Pp. 61-86. Doi: 10.22067/JLS.V46I4.25298
- Rāhgāny, Rūh-angīz. (2008/1387SH). *Tārīxe Namāyeš, To'āte va Ostūre dar Ahde Bāstān*. Tehrān: Qatre.
- Rahmāny, Reyhāneh & Qā'emī, Farzād & Pūr-xāleqī Čatrūdy, Mahdoxt. (2022/1401SH). *Barrasī-ye Tatbīqī-ye Sāxtāre Āyīnīe Nowrūze Sīyāvašān va Ākīto bar Mabnā-ye Nazarīye-ye Ostūre va Āyīn*. *New Literary Studies*. No. 217. Pp. 1-25. Doi: 10.22067/JLS.2022.74073.1213
- Rowyānī, Vahīd and Hātāmī-nežād, Mansūr. (2015/1394SH). *Sīyāvaš va Ostūre-ye Bāz-gašte Jāvedāneh*. *Quarterly Journal of Mytho-Mystic Literature. Islamic Azad University- South Tehran Branch*. 11th Year. No. 40. Pp. 239-261. Doi: 20.1001.1.20084420.1394.11.40.8.0
- Šāfe'ī, Keyvān & Xālandy, Anvar and Qāder-nežād, Mahdī. (2018/1397SH). *Bāz-xānī-ye Āyīne Sūge Sīyāvaš va Ta'zīyyeh Emām Hosseyn (bar Mabnā-ye Tahlīle Negārehā-ye Marbūt be Sūge Sīyāvaš dar Āsīyā-ye Markazī va Asarī az (Hosseyn Zendeher-rūdy)*. *Research in Persian Language & Literature*. No. 49. Pp. 71-94.
- Šakībī Momtāz, Nasrīn. (2010/1389SH). *Jāygāhe Sīyāvaš dar Asātīr*. *Textual Criticism of Persian Literature*. No. 5. Pp. 101-116.
- Samīnī, Naqme and Xazāyī, Mohammad. (2003/1382SH). *Āyīn va Adabīyyāt Moqaddamehī bar Xāst-gāhe Honare Namāyeš*. *Journal of Art book*. No. 55 & 56. Pp. 70-85.
- Warner, Rex. (2008/1386SH). *Dāneš-nāme-ye Asātīre Jahān (Encyclopedia of world mythology)*. Tr. by Abo al-qāsem Esma'il-pūr. Tehrān: Ostūre.
- Xojaste, Farāmarz and Hassanī Jalīlīyān, Mohammad-rezā. (2010/1389SH). *Tahlīle Dāstāne Sīyāvaš bar Bonyāde Žarf-sāxte Ostūre-ye Elāhe-ye Bārvarī va Īzade Gīyāhī*. *Literature History*. No. 64. Pp. 77-96.
- Xosravī, Rokno al-ddīn. (1988/1367SH). *az Ādonīs tā Sīyāvaš*. *Chista magazine*. No. 48 & 49. Pp. 767-775.

س ۲۰- ش ۷۵- تابستان ۱۴۰۳ — واکاوی اشتراکات آیین سوگ سیاوش ایرانی با آیین‌های ... / ۱۱۳

Zabīh-nīyā Omrān, Āsīyyeh and Karīmī, Najmeh. (2019/1398SH). *Barrasī-ye Tatbīqī-ye Terāžedī-ye Sīyāvaš dar Īrān va Ārāgeqetsīk va Šāmīrām dar Armanestān. Scientific Journal of Motaleate Tatbighi-e Honar. No. 51. Pp. 423-449.*

Exploring Similarities between the Iranian Mourning Ritual of Siavash and Greek Rituals of Dionysia and Adonia

Elhām Khoādvandgāri

MA. Candidate of Research of Art, University of Neyshabur

*S. Hāshem Hosseini

The Associate Professor of Research of Art, University of Neyshabur

Rituals have long served as reflections of a society's culture, beliefs, and attitudes. Within different societies globally, a significant aspect of mythology is dedicated to fertility rituals, often symbolizing the cyclical death and rebirth of nature portrayed through the demise and subsequent revival of a god or goddess. A notable example is the mourning ritual of Siavash, a prominent figure in Iranian myth, known as Siavashan. This ritual celebrates his symbolic reincarnation in the form of a plant and his son Kei-Khosrow, embodying the concept of the god/hero's death and rebirth as part of the natural and temporal cycle. In Greek mythology, the Dionysia and Adonia festivals honor Dionysus and commemorate Adonis respectively, both fertility deities whose rituals focus on their deaths and resurrections. One aim of this article is to draw parallels between the Siavashan ritual and the Dionysia and Adonia ceremonies. Through an analytical-comparative approach, all three rituals are examined to reveal their shared characteristics. Despite differences in culture and geography, the research highlights the interconnectedness of world myths. The key commonalities among these rituals include the annual mourning ceremony and celebration of resurrection, often accompanied by customs like carrying icons, performing sacrifices, music, and singing mournful songs, typically led by women.

Keywords: Myths, The Mourning Ritual of Siavash, The Ritual of Dionysia, The Ritual of Adonia.

*Email: khodavandgari@gmail.com

**Email: h.hoseini@neyshabur.ac.ir

Received: 2024/01/10

Accepted: 2024/04/07